

چند نفر از هم‌کلاسی‌ها متوجه می‌شوند و او را فراری می‌دهند، آنها می‌دانستند ممکن است این اتفاق برای او هم بیفتد. «مادر «ب» تصمیم گرفته بود تا زمانی که معلم اخراج نشده، فرزندش را به مدرسه برنگرداند، در شرایطی که خودش تعریف می‌کند شاید بیشتر مادرها نتوانسته‌اند اعلام کنند که این اتفاق برای فرزند آنها هم رخ داده، شاید نام فرزندشان در مدرسه سر زبان‌ها بیفتد، شاید پدرها خون به‌راه بیندازند و بگویند تو چطور مادری بودی که نتوانستی از فرزندت مراقبت کنی؟ معلم که از مدرسه رفت، «ب» خوشحال شده بود، دیگر خبری از تنبیه نبود.

▼ مدیر مدرسه: به حراست گزارش کردیم

خبر که به گوش مدیر مدرسه رسید، همه پسرها را در کلاس جمع کرد و اتفاقات نمازخانه و تنبیه‌های آقای معلم را از زبان خودشان شنید و ضبط کرد. مدیر مدرسه، خانم «واو» ترجیح داد پاسخ به سوالات هم‌میهن را به آموزش‌وپرورش واگذار کند و فقط به چند جمله اکتفا کرد که «اما گزارش را به حراست رئیس اداره و ارزیابی عملکرد اداره دادیم و معلم را همان روزی که به ما گزارش داده شد، از مدرسه اخراج کردیم و دیگر برنگشته است. اداره آموزش‌وپرورش شهری هم شورای نماذ را برای بچه‌ها تشکیل داد و موضوع به هیئت تخلفات ارجاع داده شده است. آخرین پیگیری‌ها هم همان اواخر اسفندماه انجام شده است. بچه‌ها در حال مشاوره هستند؛ چون اتفاق خاصی پیش نیامده بود و خیلی زود پیشگیری شد اما در همان حدی که اتفاقی افتاده بود، بچه‌ها را به مشاوره اداره ارجاع دادیم.»

مطالعه شیوع کودک‌آزاری در ایران محدود است و مطالعات قبلی به دلیل حساسیت‌ها و مسائل فرهنگی موجود به‌طور مستقیم آزار جنسی کودکان را بررسی نکرده‌اند و مطالعات انجام‌شده کمی به شیوع آزار جسمی، عاطفی و بی‌توجهی کودکان پرداخته است. به‌عنوان مثال، پژوهشی که در تهران انجام شد، شیوع آزار جسمی، عاطفی و بی‌توجهی کودکان را به ترتیب ۱۷/۵، ۳۶/۴ و ۴۹/۴۶ درصد گزارش کرد.

در مطالعه‌ای که سال ۲۰۲۲ توسط مرتضی دانایی‌فر، ملیحه عرشی، امیر مغنی‌باشی منصوریه درباره «سوءاستفاده جنسی از کودکان در ایران: بررسی سیستماتیک شیوع، عوامل خطر، پیامدها، مداخلات و قوانین» منتشر شده، شیوع سوءاستفاده جنسی از کودکان در مناطق مختلف کشور برآورد شده است. آنها به پنج مطالعه دست پیدا کردند که شیوع سوءاستفاده جنسی از کودکان را در مناطق مختلف ایران تخمین زده است. شیوع گزارش‌شده در این مطالعات بسیار متفاوت بوده و از ۱/۵ تا ۲۲/۵ درصد متغیر است. مطالعه‌ای که در تبریز انجام شد، شیوع کودک‌آزاری در دختران را ۲/۳ درصد گزارش کرد و مطالعه دیگری روی نمونه‌ای از دختران مقطع راهنمایی در خرم‌آباد نشان داد که ۳۲/۵ درصد از دختران مورد آزار جنسی قرار گرفته‌اند. ۲۲ مطالعه‌ای که درصفهان انجام شد، شیوع کودک‌آزاری در مردان و زنان را یک و چهاردهم درصد گزارش کرد. تحقیقات انجام‌شده در بندرعباس آن را ۱/۵ درصد برآورد کرده است. درنهایت تحقیقات انجام‌شده در یزد آن را در هر دو جنس ۲۸/۸، در زنان ۳۱/۵ و در مردان ۲۵/۳ درصد برآورد کرده است. بیشتر مطالعات روی آزار جنسی دختران متمرکز بود، اگرچه دو مطالعه نیز آن را در پسران گزارش کردند.

▼ می‌شود به مدرسه نروم؟

مادرها همان روزهای اول که ماجرای تعرض به فرزندان‌شان را شنیدند، با هماهنگی یکدیگر، جلسه‌ای را با مدیر مدرسه برگزار کردند، شکایتی روی کاغذ نوشتند و قرار شد به آموزش‌وپرورش ارجاع داده شود. بعد از شکایت به مدرسه، نوبت به پیگیری مستقیم از خود آموزش‌وپرورش رسید و هشت نفر از مادران و دو نفر از پدران دانش‌آموزان کلاس پنجم، دوباره همه این اتفاقات را نوشتند و به مسئولان آموزش‌وپرورش شهری تحویل دادند و از آنها قول گرفتند که ماجرا بررسی شود. مسئولان آموزش‌وپرورش شهری از خانواده‌ها ۲۰ روز فرصت خواستند که به‌ماجرارسیدگی کنند؛ قولی که به هفته آخر اسفندماه می‌رسید و تا روزهای آخر آن، هنوز خبری قطعی از نحوه رسیدگی آن به دست هیچ خانواده‌ای نرسیده بود. «ب» هم درست مثل هم‌کلاسی دیگرش مدت‌ها بود از مدرسه رفتن واهمه داشت. معلم هرروز از آنها امتحان می‌گرفت و اضطراب‌هایش به‌خاطر درس، کلاس و امتحان تمام نمی‌شد؛ حتی وقتی که تا نیمه‌شب درس می‌خواند. بار آخر که معلم او را به نمازخانه برد، گفته بود: «چیزی به مادرت نگو.» مادر دیده بود پسرش برای رفتن به مدرسه، پاهانه می‌آورد و ناخن‌هایش را می‌چود. «می‌گفت، دلم درد می‌کند، می‌شود به مدرسه نروم؟» او از زبان پسرش شنیده بود: «معلم ما را تنبیه می‌کند، اذیت می‌کند، سمت ما خودکار پرت می‌کند، با جک می‌خواباند توی گوش‌مان و دوستان‌مان را به نمازخانه می‌برد» اما مادرش هیچ تصویری از تنبیه‌های سربازی معلم نداشت. «چندبار با معلم صحبت کردم که با شلوع‌کاری بچه‌ها کمی کنار بیاید. فکر نمی‌کردیم که تنبیه این اقا به این شکل باشد.» تا اینکه او هم اوایل اسفندماه همه چیز را از زبان پسرش شنید. «بعد از آن، همه مادرها خبردار شدند و شکایت کردیم. مدام پیگیر این موضوع هستیم. اصلاً نمی‌دانیم آن معلم کجا رفت؟ فقط به ما گفتند که اجازه نمی‌دهیم دیگر تدریس کند و الان در خانه است. اکثر بچه‌ها را یکبار، دوبار، سه‌بار به نمازخانه برده است. تنبیه‌های مختلفی داشته. بعضی‌ها را از کلاس بیرون می‌انداخت. برای پسر من هم همان «تنبیه سربازی» را انجام داد. به نمازخانه برده و گفته بود، به پشت بخواب و چشم‌هایت را ببند، یا درازنوشست برو. پسرم پرسیده، چرا چشم‌هایم را ببندم؟ گفته بود چون درس نتوانده اید، باید «تنبیه سربازی» شوید. ما چندین بار از او پرسیدیم

و گفت، در حد لمس پاها و نقاط حساس بدن‌اش و درازنوشست دادن بوده است.» دو جلسه مشاوره آموزش‌وپرورش و معلم جدید اضطراب‌های «ب» را هم کمتر کرده است.

▼ ما ترسیده بودیم

«این معلم واقعاً با خشونت با بچه‌ها برخورد می‌کرد، حتی یکبار سر کلاس گلوی یکی از بچه‌ها را به‌قدری فشار داده بود که جای انگشتانش مانده بود و در جواب گفته بود، شوخی کردم! اصلاً نرمال نبود. آموزش‌وپرورش فقط گفته است که بیش از این موضوع را با بچه‌ها مطرح نکنید و اجازه ندهید آسیب بیشتری ببینند، ما خودمان پیگیری می‌کنیم، نگران نباشید. یکی از پدرها که البته فرزندش آسیب ندیده بود، گفته بود هرچقدر زمان نیاز باشد موضوع را پیگیری می‌کند.»

خانواده «ن» هم تقریباً یک‌ماه‌ونیم پیش از ماجرا باخبر شدند، وقتی که پسرشان بالاخره توانست خاطره تنبیه در نمازخانه را برای مادر تعریف کند و بگوید که معلم «بچه‌ها را ترسانده بود. می‌گفت به حالت درازکش بخوابید، پاهای‌تان را روی هم قرار دهید، چشم‌های‌تان را ببندید و...» «ن» با معلم از شرایط زندگی خانوادگی‌اش گفته بود، برای او از علاقه‌اش به ادامه‌تحصیل حرف زده بود، چند جمله ساده، مثل همه پسرهای کوچک که با معلم‌شان حرف می‌زنند، اما آقای معلم باهمان حرف‌ها او را تهدید کرد که «به مادرت می‌گویم اجازه درس خواندن را از تو بگیرد.» او هم بارها از کلاس بیرون انداخته شد و معلم در جواب مادرش گفته بود: «من هرکسی را که بخوام از کلاس بیرون می‌کنم. همیشه به من می‌گفت، من بچه‌تورا امسال رد می‌کنم.»

مادر «ن» از مدیر می‌خواست کلاس پسرش را عوض کند، اما شنیده بود که پسرت باید در همین کلاس بماند، درس بخواند و با معلم راه بیاید. «ن» هروقت می‌خواست به مدرسه برود، می‌گفت این معلم من را اذیت می‌کند، درست مثل دوستانش، یک خاطره مشترک ناگفته‌برای همدیگر.

حالا بعد از اینکه دوستان دیگرش، مادران‌شان را باخبر کرده‌اند و جلسه‌های مشاوره برگزار شد، شرایط برای «ن»

یکشنبه ۲۴ فروردین ۱۴۰۴
سال چهارم، شماره ۷۵۹
www.hamhianonline.ir

هم بهتر شد. مادرش از مسئولان آموزش‌وپرورش شهری شنیده است تا آخرین لحظه‌ای که متوجه شوند چه حکمی برای او بریده‌اند، پیگیری می‌کنند و خانواده دانش‌آموزان آسیب‌دیده را مطلع می‌کنند. او از زبان یکی از مادران شاگردان سال گذشته این معلم، شنیده بود: «اینقدر بحث نکنید، پارسال هم اتفاق «ریزی» رخ داد که به این شدت نبوده است، ما فهمیدیم، من و همسرم خیلی پیگیری کردیم، مدیر گفت که حق اعتراض و پیگیری ندارید. مادرها گفتند، چرا دوباره امسال اجازه دادی پسرت به این کلاس بیاید؟ او هم گفت که پارسال خیلی دوندگی کردیم. روزی که با خانواده‌های دیگر با مدیر مدرسه جلسه داشتیم، خیلی از مادرها می‌گفتند احتمال دارد بعضی از بچه‌ها از این جریان چیزی به مادرها نگفته باشند. اما در حال حاضر حدود ۸ تا ۱۰ بچه آسیب دیده‌اند.»

▼ سکوت نکردم

برای «ش» هم آن اتفاق رخ داد و چندروز بعد از آنکه همه چیز روشن شد، او هم ترس‌اش ریخته بود و حالا مادر همه‌چیز را می‌دانست. «پسرم نشانه‌ای نداشت و چیزی بروز نداده بود. به او اصرار کردم و گفتم هیچ اتفاقی نمی‌افتد و اگر چیزی شده، بگو. گفت که برای من هم اتفاق افتاده است. برای او اصلاً سمتیبه را نیابوده بود. فقط گفته بودبرنمازخانه، بعدنسته روی پاهایش.» خانواده «ش» هم هنوز وکیل نگرفته‌اند و شکایت قضایی را به بعد از تعطیلات عیدرمکول کرده‌اند.

حالا دیگر خبری از «تنبیه سربازی» نیست، معلم جدید انتخاب شده، مادرها گوش‌به‌گوش از «آن ماجرا» حرف می‌زنند و اگر از پسران کلاس پنجم آن مدرسه کوچک در شهری، چیزی از آقای معلم بپرسی، سکوت می‌کنند؛ شاید ترس هنوز هم از خواب‌های‌شان نرفته‌باشد.

(روایت‌های این گزارش بر مبنای گفته‌های مادران پسران دانش‌آموز کلاس پنجم این دبستان و گفت‌وگو با روابط عمومی آموزش‌وپرورش و مدیر مدرسه است.)

نگاه حقوقدان

قانون چطور از کودکان در برابر آزارهای جنسی حمایت می‌کند؟



عاطفه حقانی

وکیل دادگستری و عضو کمیته حقوقی انجمن حمایت از حقوق کودکان

در جریان بررسی پرونده‌های تعرض یا تجاوز بیشترین چالش‌های حقوقی و قانونی بحث اثبات آنهاست و مسئله این است که گاهی ادله‌ای برای اثبات وجود ندارد، چون عملاً چیزی از این اتفاق به‌جانمی‌ماند. جرائم مربوط به منافی عفت که عنوان تعرض و تجاوز را به خود می‌گیرد، معمولاً در خفا رخ می‌دهد و نه شاهدی مبنی بر آن وجود دارد و نه ادله‌ای، به‌خصوص در بحث تعرض که چیزی قابل اثبات نیست؛ چون دخول صورت نگرفته و وقتی فرد آزاردیده به پزشکی قانونی ارجاع داده و معاینات پزشکی انجام می‌شود، هیچ مواردی مبنی بر اثبات آن وجود ندارد. در این شرایط تنها راه اثبات، مطلعین یا شهودند. علاوه بر این خود قضات به‌واسطه تجربه خود، قدرت تشخیص حقیقت را به دست آورده‌اند.

راه‌های اثبات تعرض نیز شکایت به‌موقع است و نباید اجازه داد که زمان بگذرد. علاوه بر این آثاری مانند مو و نعوظ روی بدن فرد قربانی، افراد مطلع و شاهد، فیلم و عکس، اقرار متجاوز و متعرض و اظهارات فرد شاکی از راه‌های اثبات تعرض است.

قانون در این خصوص بسیار حساس عمل می‌کند و در مواردی که افراد زیر

سن قانونی باشند، برخورد شدیدتری صورت می‌گیرد. مجازات‌های این حوزه هم از اعدام تا شلاق و حبس و مجازات‌های تکمیلی در نظر گرفته شده تا حمایت از فرد آسیب‌دیده صورت گیرد. در حال حاضر با توجه به تصویب قانون کودک‌آزاری و اختصاص برخی از شعبه‌های دادسراها به رسیدگی پرونده‌های کودک‌آزاری، حمایت قانون نسبت به این موضوع بیشتر شده است.

برای همه انواع آزارهای جنسی اگر در قالب تعرض باشد، در حد خود از شدید تا خفیف مجازات در نظر گرفته شده است. آزارهای جنسی کلامی هم نسبت به کودک می‌تواند در قالب این دسته‌بندی باشد و اگر نباشد، می‌تواند در قالب توهین و به کار بردن الفاظ شنیع و نامناسب، مجازات‌هایی به دنبال داشته باشد. به دلیل برخی کاستی‌ها و نواقصی که در قوانین وجود دارد، با اینکه در مواردی مانند اعتیاد، فروش موادمخدر، تعرض، تجاوز، فروش مشروبات الکلی و... مجازات‌ها سنگین است، اما جنبه بازدارنده ندارد؛ چون اقدامات صحیح و تربیتی را در نظر نمی‌گیریم؛ به همین دلیل برخی زیرساخت‌ها باید تغییر کند، آموزش‌هایی به افراد داده و مشکلات سلامت روان آنها برطرف شود تا از شیوع بیشتر در جامعه جلوگیری شود. بحث ریشه‌یابی و شاخه جرم‌شناسی در قوانین کشور بسیار مهجور است و فقط بحث تنبیهی مجازات بیشتر در نظر گرفته می‌شود که چندان بازدارنده نیست. اساساً همراه بودن در مان با مجازات مجرم، بیشتر به نظر شخصی قضات برمی‌گردد و به‌صورت کلی، در بیشتر موارد در قوانین ایران، مجازات ملاک قرار می‌گیرد تا درمان مجرم و اقدامات تکمیلی.

نگاه کارشناس

ترامای جنسی نشانه دارد



منصوره شاهنظری

عضو شورای هماهنگی واحد خودمراقبتی جنسی انجمن حمایت از حقوق کودکان

آسیب جنسی به‌عنوان نوعی ترامای جنسی طبقه‌بندی می‌شود و آن را یک واکنش عاطفی روانی و روحی به یک اتفاق معرفی می‌کنند؛ اتفاقاتی که طیف آن از بلایای طبیعی آغاز می‌شود و تا سوگ، آسیب جنسی و... ادامه دارد. این آسیب قطعاً نشانه و تأثیراتی بلندمدت دارد. برخی از این نشانه‌ها در کودکان واکنش‌های رفتاری است، یعنی در رفتار کودک تغییری ایجاد می‌شود. در این شرایط آنها معمولاً گوشه‌گیر، کم‌حرف، زودرنج و پرخاشگر می‌شوند. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌هایی که در صورت مشاهده آن، باید احتمال وقوع اتفاقی داده شود، کابوس شبانه است. در این شرایط والدین باید علت نشانه‌هایی است که می‌توان آن را نتیجه آسیب جدی یا آسیب جنسی درنظر گرفت. علاوه بر این، به‌دنبال وقوع این آسیب ممکن است کودک با کنجکاوی درباره مسائل جنسی روبه‌رو شود و در نقاشی‌هایش تصویری را بکشد که آن‌را مشاهده کرده است. ممکن است حین بازی با اسباب‌بازی‌هایش، رفتارهایی را نشان دهد که قبلاً نشان نمی‌داد.

تروماها تأثیراتی طولانی‌مدت بر زندگی فرد دارند و قطعاً بر زندگی آینده کودک تأثیر می‌گذارند. اولین تأثیر آن، بی‌اعتمادی به دیگران است و بر روابط، باورها، ارتباطات عاطفی و جنسی در آینده کودک تأثیر می‌گذارد. به همین دلیل کودک در این شرایط نیاز به درمان دارد تا بتواند به‌عنوان یک بزرگسال سالم‌زندگی کند.

از نشانه‌های دیگر کنترل در دفع نکردن مدفوع و وسواس شست‌وشو است. آسیب جنسی به کودک حتماً به‌معنای رابطه عمیق نیست و می‌تواند شامل حرف‌زدن درباره مسائل جنسی، نشان دادن عکس و فیلم یا بدن خود به کودک و حتی لمس کردن او باشد. در شرایطی که مدت زیادی از زمان وقوع این حادثه بر کودک نگذشته باشد، خانواده نباید هیجان‌زده شود؛ بلکه باید رفتاری حمایت‌گرانه از خود نشان دهد، او را درآغوش بگیرد و حتی به‌خاطر تنها بودن در آن شرایط، از او عذرخواهی کند و به کودک احساس گناه منتقل نکنند. نباید از کودک پرسید چرا به فرد متجاوز اعتماد کرده است. در لحظات و ساعات‌های اولیه اتفاق، نباید لباس‌های کودک عوض شود یا به دست‌شویی برود. اگر تجاوز صورت گرفته باشد حتماً باید کودک به پزشکی قانونی ارجاع داده شود. همه این اقدامات باید با آرامش، حمایت و احساس امنیت‌دادن به کودک اتفاق بیفتد. اگر مدتی از این موضوع گذشته باشد، باز هم همان آرامش، حمایت و امنیت‌نیاز است. باید با کودک همدلی شود و اگر پدر و مادر می‌دانند که نمی‌توانند آرام باشند، باید به متخصص این حوزه مراجعه کنند تا او این مسیر را ادامه دهد.

مراجعه به مشاور بعد از چنین ترومایی ضروری است؛ چون والدین به‌اندازه کافی با این موضوع، همچنین لایه‌های روانی کودک آشنا نیستند. البته خود کودک باید برای انجام این کار تمایل داشته باشد و خود والدین هم باید بیاموزند چگونه با کودک خود برخورد کنند و این مسیر را طی کنند. آموزش خودمراقبتی از بدو تولد باید آغاز و همه‌جا احتمال چنین اتفاقی درنظر گرفته شود؛ چون بیشترین آمارهایی‌که از تعرض‌هایی که به کودکان صورت گرفته، از طرف کسانی است که کودک به آنها اعتماد کرده است؛ افرادی مثل والدین، آشنایان، همسایگان، معلم و... پس والدین باید بدانند کودک‌شان در همه‌جا در معرض آسیب احتمالی است و باید خود و کودک‌شان درباره این موضوع آموزش ببینند. نظام آموزشی ایران تا چندسال قبل وقوع چنین موضوعی را انکار می‌کرد. واحد خودمراقبتی انجمن از سال ۱۳۹۵ تشکیل شد و اوایل فعالیت این واحد، مدارس نسبت به آموزش خودمراقبتی واکنش مثبتی نشان نمی‌دادند، اما حدود دو تا سه سال است که تقاضای آموزش خودمراقبتی به‌والدین و دانش‌آموزان را مطرح می‌کنند. سیستم آموزشی در این زمینه بسیار تأثیرگذار است؛ چون ارتباط‌گسترده‌ای با افراد دارد و با همکاری نهادهای فعال در این حوزه، گام بزرگی در راستای آگاهی‌رسانی برداشته می‌شود. مشاورانی که در مدارس فعالیت می‌کنند در این زمینه اطلاعات به‌روزترنده ندارند و کمتر می‌توانند به دانش‌آموزان کمک کنند. از مقطع ابتدایی به‌بعد سوالات و کنجکاوی‌های جنسی دانش‌آموزان بیشتر می‌شود اما مشاوران مدارس به‌سختی می‌توانند آن را مدیریت کنند. دانش‌آموزان نیز برای طرح مسائل خود احساس امنیت ندارند.

امور حقوقی و قرارداد‌های شرکت بهره برداری نفت و گاز گچساران

شناسه آگهی: ۱۹۰۷۲۸۸